

عوامل روانی تکفیر

عوامل روانی تکفیر

مرتضی آقا محمدی

دانشجوی دکتری شیعه شناسی-دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

تمایل به خشونت، حس قیام به زدودن منکرات از جامعه، انحصارگرایی، اقتدار گرایی، جدا بیت تکفیر به لحاظ مبرریت آن ، واکسینه کردن خودیها، حذف رقیبان، توجیه عقب ماندگیها و ارضای روحیه جهادگری، پای فشاری بر عقاید خود، تعصبات قومی و عربی، نوع تلقی اهل سنت از پیامبر (ص) و صحابه، ماجراجویی و جبران مافات، اینها همه عوامل روانی هستند که برخی از مسلمانان افراطی را به تکفیر دیگران و امی دارند. این نوشته بر آن است تا هر کدام از این عوامل را مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

کلید واژه ها :

عوامل روانی، تکفیر، انحصارگرایی، اقتدار گرایی، قبیله گرایی

تکفیر یکی از مشکلاتی است که از قرن اول دامنگیر مسلمانان و جهان اسلام شد و سبب بروز جنگهای بسیار و کشتهای غارتی فاجعه باری در میان مسلمانان و تفرقه و تشدد صفوی آنان گردید. به جرأتی می‌توان گفت که در آموزه‌های فقه کلامی و روانی و نیز تجربیات تاریخی شیعه، تمایل به چنین اقدامی دیده نمی‌شود. مسئله تکفیر و علل پیدایش آن را می‌توان از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز دیگر جهات مورد مطالعه قرار داد. یک دسته از این عوامل، انگیزه‌های روانی و بسترهاي اجتماعي افرادي است که دست به تکفیر دیگران می‌زنند.

برخی عوامل روانی سبب می‌شوند تا کسانی گروه و جماعتی از مسلمانان را تکفیر نمایند و نیز برخی عوامل روانی در جامعه مخاطب، موجب پذیرش چنین اقدامی می‌گردد. در این نوشته تلاش بر این است که این عوامل روانی و ذهنی دخیل در مسئله تکفیر، به طور استقرائي مورد مطالعه قرار گیرند.

تعریف تکفیر:

به زبانی ساده می‌توان تکفیر را چنین تعریف کرد:

«نسبت دادن کفر به مسلمان یا اهل قبله»^[1]

عوامل روانی تکفیر در بین اهل سنت:

۱- تمایل به خشونت:

برخی افراد به دلایل مختلف از جمله شرایط سختی که در آن تربیت شده‌اند و مشکلاتی که با آن مواجه بوده‌اند و رنجها یی که متحمل شده‌اند دارای شخصیتی خشن و جرم گرا هستند. به عنوان نمونه می‌توان از ابو منصب زرقاوي یاد کرد. او در اوایل مسیر زندگی پدر را از دست می‌دهد و به بزه و مواد مخدر روی می‌آورد تا اینکه در نوجوانی زندانی می‌شود و در زندان با جهادی‌های سلفی آشنا شده و مسیر زندگی او تغییر می‌کند^[2]. او در بین جهادیون به شکلی افراطی دیگران را تکفیر کرده و می‌کشت تا جایی که اعتراض دیگر همفکران^[3] خود را بر می‌انگیزد.

وقتی نمادهای غربی و ضد دینی در جامعه شیوع پیدا کرد عده ای احساس خطر می کنند و تصورشان این است که دین خدا در حال تعطیل شدن و نابودی است و می بایست برای نجات دین و جامعه کاری انجام داد.

در چنین شرایطی در فضای اهل سنت نوعاً به مباحث آخرالزمان پرداخته می شود و این مسائل را نشان از آخرالزمان می دانند و این بدان معناست که باید کاری کرد و در مقابل این اتفاقات ایستاد. از ابتدای تشکیل عربستان سعودی جدید افرادی که با عبدالعزیز بودند محصولات و دستاوردهای غربی و تکنولوژی مدرن را برنمی تابیدند و تفکر عبدالوهابی آنها همه این امور را مصدق بدعث می دانست تا جایی که عبدالعزیز محصور به درگیری با آنها می شود. در نهایت او مخالفان را وادار به سکوت می کند و آنها هم به این استناد که ما تکلیف خود را انجام داده ایم و حال باید از حاکم اطاعت کرد سکون می کنند اما بعد از گذشت تقریباً 30 سال مجدداً این احساسات انباشته شده در زمان ملک فیصل خود نمایی می کند و این مخالفتها شروع می شود تا اینکه به داستان جهیمان العتبی و القحطانی و انتفاضه مسجد الحرام می انجامد.

شكل دیگر از این رفتار را می توان در کلمات سید قطب در کتاب تاریخ ساز خود، «معالم في الطريق» مشاهده نمود که او هم فساد و فحشای موجود را بر نمی تابد و در نتیجه همین امر سبب تکفیر کسانی می شود که تن به چنین جامعه و زندگی داده باشند. گرچه شاید در ابتدای خود سید قطب دامنه این تکفیر را وسیع نداند اما افراد بعدی که در خط فكري او حرکت می کردند افراطی تر برخورد کرده و آنچنان دامنه تکفیر را باز کردند که جز خودشان مسلمانی باقی نگذاشتند. شکری مصطفی نمونه چنین اقدام و تفکری میباشد.

3- انحصار گرایی (حق دیدن خود):

برداشتی کوتاه بینانه از متون دینی و آیات قرآنی و نیز استناد به سیره صحابه به فشری گرایی خوارجی دامن می زند. این افراد تصور می کنند فهم آنها از متن دینی در غایت درستی و حقانیت است و دیگران بر خلاف شرعیت عمل می کنند پس به راحتی دیگران را مصدق^{*} و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون^[4] می دانند و کفر دیگران را اثبات می کنند.

تکفیر دیگران و تحریب آنان موجب شکوفایی حس تقرب به خدا در شخص می شود. وقتی دیگرانی که ادعای اهل اسلام بودن دارند از اسلام بیرون رانده شدند در نتیجه تنها گزینه باقی مانده در تحت چتر اسلام خود من هستم.

این روحیه را می توان به وضوح در کتاب «الجهاد الفريضة الغائب» نوشته محمد عبدالسلام فرج، احساس نمود.

4- اقتدار گرایی:

شیعیان عدالت محور هستند و قسط و عدالت را هدف اصلی بعثت انبیاء می دانند.^[5] الگوهای دینی در دیدگاه شیعه مصاديق بارز عدالت هستند. امام علی (ع) با عدالت معرفی می شود و امام مهدی (ع) برای برپایی عدالت قیام خواهد کرد. حتی توقع شیعه از حاکم غیر معصوم هم اجرای حد اکثري عدالت است. در طول تاریخ هم عمدۀ قیامهای شیعیان علیه حاکمان، در راستای عدالت خواهی بوده است.

اما در تلقی اهل سنت، که برگرفته از تاریخ اسلام است محوریت با مسئله اقتدار است. حاکم مطلوب و خوب کسی است که اقتدار بیشتری دارد و در بین خلفا و حکام مدراسلام هم آنها بی که قدرت و اقتدار بیشتری دارند از محبوبیت بالاتری برخوردارند. این یکی از تفاوت های عمدۀ در میان شیعه و اهل سنت است.

با چنین ذهنیتی، تکفیر دیگران و صدور حکم در مورد آنها نوعی حس قدرت و اقتدار به شخص می دهد و موجب پیدا شدن نوعی احساس غرور و بزرگی در او می کند. خارج دانستن دیگران از دین و قیام برای از بین بردن آنها ، شخص را در عداد بزرگان تاریخی خود قرار می دهد. شاید این یکی از مهمترین پس زمینه های ذهنی جهادیون تکفیری در دوران معاصر ما باشد از حرکتهاي شکل گرفته در مصر تا جهاد در افغانستان و دیگر کشورها و بعد در عراق و سوریه. این افراد با این اقدامات تکفیری و جهادی خود را در صف صحابه و مجاهدانی که سرزمینهای دیگر را فتح کردند و موجب شکوه اسلام- در تلقی اینان- شدند. قلمداد می کنند.

بعد از داستان مشکوک یازده سپتامبر در آمریکا و طرح مسئله خاورمیانه بزرگ توسط نئو محافظه کاران آمریکایی و حمله به عراق و افغانستان ، در شرایطی که بهت و ترس حکام عرب و جوامعشن را فراگرفته و با پیروزیهای حزب الله لبنان در مقابل اسرائیل و قدرت نمایی شیعه و ایران، و تار و مار شدن مجاهدان القاعده و سر خوردگی جهان اهل سنت، ظهور ابو منصب زرقاوي در عراق و کشتار مردم بخصوص شیعیان توسط او و تعبیرات خاص او از شیعه به عنوان مجووس و کافر و عدو قریب، عملا او را برای طیف خاصی از جهان اهل سنت به یک قهرمان تبدیل می کند.

عمده افرادی که به این گروهها ملحق می شوند افرادی از طبقه با این اجتماع هستند که راهی برای خود نمایی و جلب توجه دیگران به غیر گرویدن به این جریانهای تکفیری ندارند. به عبارت دیگر این تنها

دریچه ای است که می تواند به آنها شخصیت بدده و حمایتها برعی دول عربی از آنان را جلب کند.

5- تکفیر ، امری جذاب در فضای فقرزده عربی نجد:

طرح ایده تکفیر باقی مسلمانان توسط محمد بن عبدالوهاب موجب استقبال ابن سعود و اطرافیان او میشود. از انگیزه های روانی این افراد می توان به مبرریت این دیدگاه و فقر شدید حاکم بر عرب نجد و نیز روحیه بسیار خشن و سنتیزه جوی آنها یاد کرد.

در شرایطی که اینان در فقر شدید مالی و فرهنگی به سر می برند و مشکلات زندگی صحراء خود عامل خشن شدن رفتار و ذهن این افراد است و درک بالایی هم از دین وجود ندارد ایده تکفیر و مباح دانستن خون و اموال دیگر مسلمانان و غیر مسلمانان و عبید و اماء بودن مردان و زنان شان با آغوش باز پذیرفته و حمایت می شود. این تلقی که اگر کشته شوند در صف شهدا هستند و اگر پیروز شوند لذتی های وسوسه کننده ای در انتظارشان خواهد بود از تلذذ بی حد و حصر از زنان گرفته تا غارت اموال و دارایی طرف مقابل، در نظر آنان مصدق عینی احدی الحسنین محسوب می شد.

6- تکفیر دیگران برای واکسینه کردن خودیها :

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موجی از اسلام خواهی در جهان اسلام برانگیخته شد. افشار و احزاب مختلف از اهل سنت که تحت فشار استعمار و حاکمان ظالم و خود فروخته بودند رسیدن به الگویی اسلامی و دینی از حکومت را مانند رویا یی شیرین ولی دست نیافتنی می دیدند. با پیروزی انقلاب در ایران بارقه امیدی در همه این قلیها بر افروخته شد و خیل گسترده ای از جوانان و مذهبیهای کشورهای اسلامی علاقمند به ایران و انقلاب اسلامی شدند.

از همان زمان عمدۀ تبلیغات کشورهایی ما نند سعودی در داخل عربستان و نیز در جهان اسلام متتمرکز بر صدیت و دشمنی با تشیع و ایران به عنوان مرکز ژئوپولیتیک شیعه شد و کتابهای زیادی در این راستا نوشته شده و در تیراز گسترده ای توزیع شد. تلاش اینان برای جلوگیری از جذب شدن جوانان به تفکرات انقلابی و شیعی بود و از طرفی هر کسی را که قصد انقلاب و قیام علیه حاکمان داشت را متهم به شیعه بودن و شیعه گری می کردند و اینگونه از خود دفع خطر می نمودند.

در چنین شرایطی تکفیر شیعه موجب ثبات و پایداری این قدرتها می شد. بعلاوه با این شگرد، نیروهای مخالف و متخاصل داخلی را که از بدنه متعصب مذهبی بوده و همیشه هم وجود داشتند را می توانستند در خارج مرزهای خود به بهانه مبارزه با کفر، به تبلیغ و یا قیام مسلحانه علیه کافران و منافقان

بعد از پیروزی حزب ۱۰ لیبان در جنگ ۳۳ روزه که موجب بهت و شگفتی جهان عرب شد و دلهای بسیاری از جوانان اهل سنت را شیفته حزب ۱۰ و شخص سید حسن نصرالله کرد، باز هم چنان واکنشها بی از سوی سران و علمای تندره سلفی شد گرفت.

گاه برخی حکام عرب برای بسط روابط خود با دولتهاي غربي و برای خوش خدمتی بيشتر، در صدد همراه شدن با استعمارگران و مقابله با کشورهاي همچون ايران بر آمدند و تکفیر هم بخشی از اين سناريو بود. گرچه صرف تکفیر اهميتي برای غربيها نداشت اما از آنجايی که اين امر موجب منزوی شدن ايران و فکر شيعي در ميان ديگر مسلمانان مي شد مورد استقبال اين ابرقدرتها بود.

7- تکفیر برای حذف رقیبان:

در چالشهاي فكري و سياسي و در مقابل منافع ، يكي ارشيوه هاي موثر برای کسانی که بر مذهبها بحکومت مي کنند استفاده از ابزار دين است. وقتی جامعه گرایشات مذهبی شدید دارد می توان برای حذف دشمن و رقیب از ابزار دین استفاده کرد. نمونه بارز این واقعیت را می توان در درگیری «داعش» با «جبهه النصره لاهل الشام» دانست. زمانی که محمد الجولاني که خود از نیروهای ابوبکر بغدادی بوده عازم سوریه شده و بعد به «دولت اسلامی عراق» خیانت کرده - در تلقی ابوبکر بغدادی- و اعلام استقلال از آنها می کند ، ابوبکر بغدادی برای حذف رقیب او را متهم به بیعت شکنی و کفر می کند و خون او را هدر می داند و همین مجوز حمله و کشتن کسانی می شود که تا دیروز در کنار یکدیگر علیه حکومت سوریه می جنگیدند.

8- تکفیر برای توجیه عقب ماندگیها و ارضای جهادگری:

عقب ماندگیها ، ناکامیها و مشکلات اجتماعی مسلمانان سبب شد تا برخی از کسانی که از وضعیت موجود رنج می برند گروهی دیگر از مسلمانان و خودها را - علاوه بر دشمنان خارجی- متهم نمایند تا هم بار گناه را به دوش آنان بیندازند وهم باورهای خاص آن گروه و مکتب را تخریب کرده باشند. نمونه بارز این رویکرد در سخنان ابن تیمیه و متهم کردن شیعیان به از بین بردن خلافت بنی عباس و همکاری با کفار مغول است. همین مطلب موجب می شود او شیعیان را هم در عداد همان کفار مغول بداند [۱۶].

در دوران معاصر سرخوردگیهای تاریخی و حقارتهای گوناگون سبب شد تا نوعی جهاد طلبی و قیام در میان مسلمانان زنده شود. مصر بستر این انگیزشهاست. دیدگاه سید قطب در مورد جامعه جاھلی و کفر و

سپس کتاب «الجهاد الفريضه الغائب» که توسط محمد عبدالسلام فرج نوشته می شود، عامل اصلی عقب ما ندگیها و بدبوختیهای جهان اسلام را از خود مسلمانان می داند و از آنان به «عدو قریب» یا «دشمن نزدیک» تعبیر میکند و جهاد با اینها را مقدم بر جهاد با «دشمنان دور» می داند.

این دیدگاه سبب می شد تا با قیام علیه خودیها، حس جهاد طلبی را در خود ارضا کنند و خود را مجاہدان راه خدا بدانند و دیگران را متهم به کفر و بی دینی نمایند و علاوه بر این، با دشمنان بزرگ هم رو برو نباشند. زیرا اگرقرار بود قدرتهای غربی را دشمن ردیف اول بدانند، از طرفی جهاد برایشان مشکل می شد و دشمن قادرمند به راحتی آنها را حذف می کرد در حالی که جهاد با مسلمانان جهاد راحت تر بود و از طرف دیگر با تکفیر مسلمانان و جهاد با آنها، در بسیاری مواقع از طرف غربیها مورد حمایت قرار می گرفتند و از کمکهای مختلف آنها بهره مند میشدند.

10- پای فشاری بر عقايد خود:

یکی از ویژگیهای درونی اسلام مقاومت و بقای آن در در شرایط سخت و بحرا نهاست . در دوران معاصر، «در میان ادیان مختلف تنها اسلام بود که بر اصول خود و اصالتها یش پایی فشرد و در درون تمدن نوین هضم نشد و به معارضه ای رود روي پرداخت تا لا اقل در قلمرو خود، حاکمیت خود را حفظ کند. ساختمان درونی این دین به گونه ای است که معتقد انش را به کوششی پیگیر تحقق خود و طرد غیر خود فرا می خواند. یک مسلمان تا زمانی که مسلمان است موظف است به اصول و مبانی خود پایبند باشد. این لازمه فلاح و رستگاری اخروی و عزت و سربلندی دنیوی است»^[7] .

همین مسئله از حیث روانی می تواند در شرایطی که مسلمانان از ناحیه گروهی از خودیها احساس خطر می کنند طرف مقابل را که تهدید تلقی میشود متهم به خروج از دین نمایند تا باور خودشان به عنوان باور اصیل و اسلامی حفظ گردد.

11- تعصبات قومی و عربی:

تعصب شدید عربها نسبت به قبیله خود در درون عربها و تعصب بر عربیت خود در مقابل غیر عرب، از دیر باز سبب وقوع اتفاقات ناخوشا یند بسیاری در جهان اسلام شده است. یکی از تلاشهای جدی پیامبر (ص) تلاش برای زدودن این عقبه فکری از ذهن اعراب بود اما رسوخ این مسئله در اعماق ذهن عرب فوی تر از آن بود که به آسانی حذف و برداشته شود.

همین مسئله سبب می شود که اعراب خود را مسلمان اصیل و درجه اول تلقی کنند و دیگر مسلمانان را

در درجه‌های پایین تر قرار دهند. اگرچه پیدا یش مذهب تشیع از خود جهان عرب و جامعه اسلامی آغاز می‌شود اما بی‌شک ایران و به تعبیری جامعه عجم، فضایی مناسب برای گسترش معارف عالیه و حقه اهل بیت پیامبر (ص) بود تا جایی که گاه اهل سنت، مکتب تشیع را زاییده دست ایرانیان در صدد تخریب اسلام اصیل معرفی نمودند و شیعه را با عنوانی همچون «مجوس» خطاب کردند غافل از اینکه ایران در ابتدا با اسلام سنی آشنا شد و بیشتر نقاط ایران مکتب اهل تسنن را پذیرفت تا جایی که پنج کتاب از شش کتاب حدیثی اهل سنت توسط ایرانیان نوشته می‌شدند^[18]. اما رفته رفته در اثر آشنا شدن با مکتب اهل بیت (ع)، آن را اصیل یافت و پذیرفت و مشکلات فراوانی را نیز در این راستا متholm گردید. حتی امروز هم جریا نهایی تکفیری از ایران و تشیع با عنوان مجوس تعبیر می‌کنند^[19].

12- نوع تلقی اهل سنت از پیامبر (ص) و صحابه:

شیعیان پیامبر خود را پیامبر دوستی و رحمت و عشق می‌دانند و در تعالیم خود او را انسانی دوستدار و عاشق انسانها معرفی می‌کنند. کسی که وقتی دشمنانش او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند دست به درگاه الهی بلند کرده با لحنی پر از محبت می‌گوید خدا یا اینان قوم من هستند و از روی جهالت چنین کردند پس تو بر آنان سخت مگیر و عذا بشان مکن!^[10] حتی در جایی که مجبور به جنگ است با اکراه چنین می‌کند و تمام تلاش او برای حلوگیری از کشتن انسانهاست. مصدق بارز این رویه در نوع اقدام ایشان در فتح مکه است.

اما در کتب روایی اهل سنت روایاتی وجود دارد که می‌توانند چهره ای متفاوت از پیامبر (ص) و دیگر صحابه عرضه نمایند. اینکه پیامبر خودش را مامور به ذبح بداند و برای ذبح مخالفان خود مبعوث شده باشد^[11]. وقتی این آموزه‌ها در ذهن افراد مرتكز می‌شود تمایل و گرایش به خشونت و تکفیر دیگران در می‌نشان شدت می‌گیرد.

در نگاه شیعه، محبت و عشق ورزیدن به خاندان نبوت و اولیای دین و سرایت دادن این دوستی به بندگان مومن خدا، تاثیر بسزایی در تلطیف روحیه آنان دارد، چیزی که قرآن از آن به عنوان اجر رسالت یاد می‌کند. اما در تعالیم اهل سنت توجه چندانی به این نکته وجود ندارد و همین مسئله ذهن افراد را برای تکفیر و راندن دیگر مسلمانان و رفتار خشونت آمیز با آنان مستعد می‌کند.

13- مراجوجی:

یکی از علل جذب تازه مسلمانان غربی به گروههای تکفیری وجود روحیه ماجراجویی در جوامع غربی است. در فرهنگ غرب تمایل زیادی به ماجراجویی و انجام کارهای پر خطرهست. عملیات اکتشاف غارهای طولانی و مخوف، سقوط از ارتفاع، بالا کشیدن از یک آسمان خراش، دست و پنجه نرم کردن با حیوانات

خطرنگ، شنا در میان کوسه ها و ده ها و صدها نمونه دیگر از کارهای پر خطری که انجام آنها در آن فرهنگ جدا بیت خاص خود را دارد. یکی از زمینه های روانی و ذهنی تازه مسلمانان غربی برای بیوستن به گروههای تکفیری و شرکت در عملیاتهای جهادی همین روحیه ماجراجویی در آنهاست.

البته باید از نکته دیگری در مورد این طیف غافل شد و آن عبارتست از تلاش آنها برای انجام جهاد و نوعی از خود گذشتگی برای جبران گذشته خود.

جمع بندی:

فقر اقتصادی و فرهنگی، عدم درک درست از دین، تفسیر تاریخی دین و اقتدار گرایی، عقب ماندگی گسترده، انحصار گرایی، تعصبات قومی از مهمترین عوامل روانی و ذهنی تکفیر می باشند. درک درست و واقع بینانه از پدیده تکفیر و ذهنیات تکفیریها، عدم تحریک احساسات مذهبی این افراد، سعه صدر در برخورد با دیگر مسلمانان، وحدت و تعاملات برادرانه در بین سایر مذاهب اسلامی و برخورد هوشمندانه علمای دین و نیز دیگر عواملی که ذکر نشد همگی می توانند کمک شایانی به کنترل و محدود کردن پدیده تکفیر نمایند.

منابع:

- 1 قرآن کریم
- 2 «زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن» ، محمد مسجد جامعی ، چاپ اول ، انتشارات الهدی، سال 1369
- 3 ابراهیم نژاد، محمد، «داعش: دولت اسلامی عراق و شام» ، انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل البيت عليهم السلام
- 4 ابن تیمیه ، الفتوای الكبرى، کتابخانه دیجیتال الشامله
- 5 عبدالسلام فرج، محمد، الفرضه الغائب ، نسخه دیجیتال

7-

<http://www.fahimco.com>ShowArticle.aspx?ID=3938><http://Arabic.cnn.com/middleeast/2014/06/29/urgent-isis-declares-caliohate>-<http://www.fahimco.com>ShowArticle.aspx?ID=3938> [11]

- ابراهيم نزاد، محمد، داعش، ص14 به نقل از ، [21] 89-90 p AlQaeda for search The ,Riedel Buruce

- همان ص 25 به نقل از : [31] 22/6/2006 csis , factor Zarqawi the and Islamists the :

- المائدہ (5) (44):

- الحدید(57):25: *لَقَدْ أَرَسَلْنَا رُسُلًا نَّبِيًّا إِنَّا وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُولُوا إِنَّا بِالْقِسْطِ إِنَّا لِمَنْ يُنْهَا

- الفتاوى الكبرى ص 286 و ص 288: « ولم يكن معهم (النثار) في دولتهم مولى لهم إلا من كان من شر الخلق إما زنديق منافق لا يعتقد دين الإسلام في الباطن — أي أن يظهر الإسلام — وأما من هؤلاء من هو شر أهل البدع كالرافضة والجهمية والاتجارية ونحوه — وهم أصحاب البدع — وإنما من أفجر الناس وافسقهم وهم في بلادهم مع تمكّنهم لا يحجون البيت العتيق وإن كان فيهم من يصلّي ويصوم فليس الغالب عليهم إقامة الصلاة وإيتاء الزكاة ... ومن دخل في طاعتهم الجاهلية وستّهم الكفرية كان صديقهم ، ومن خالفهم كان عدوهم ، ولو كان من أنبياء الله ورسله وأولئك» .

- مسجد جامعي ، محمد ، «زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن» ، ص 18 [71]

- چهار کتاب شیعه و مولفین آنها عبارتند از:

الف) اصول الکافی: محمد بن یعقوب کلینی

ب) من لا يحضره الفقيه : علي بن حسين بن با بویه قمی (صدوق)

پ) تهذیب الاحکام: محمد بن حسن طوسي(شیخ طوسي)

ت) الاستبصار: محمد بن حسن طوسي(شیخ طوسي)

هر سه عالم شهیر نامبرده از ایران هستند. و اما صحاح سنته اهل سنت عبارتند از:

الف) صحیح بخاری: محمد بن اسماعیل بخاری

ب) صحیح مسلم: مسلم بن حجاج قشیری نیشا بوری

پ) سنن ابن ماجه: محمد بن یزید بن ماجه قزوینی

ت) سنن ابی داود: سلیمان بن اشعث بن اسحاق سجستانی

ژ) سنن ترمذی: محمد بن عیسی بن سوره

ج) سنن نسائی: احمد بن شعیب نسائی

هر پنج عالم اول از ایران بزرگ آن زمان هستند.

[9] - زرقاوي به کثرت این تعبیررا به کار می برد و نیز در بیانیه اعلان حلف ابوبکر بعد ادی از ایران و شیعیان به عنوان مجوس یاد شده است. <http://middleeast.com.cnn.Arabic//:http://caliohate-declares-isisi-urgent/2014/06/29/>

:

82 - اعلام الوری باعلام الهدی ص [10]

[11] - استمعوا يا معاشر قريش ، أما والذى نفس محمد بيده لقد جئتم بالذبح - الفريضه الغائيه ، محمد عبدالسلام

فرج ص 3

